

آینده بانک آینده در دستان کدام تصمیم؟ تحلیل جامع چالش‌های بانکی ایران

راه‌حل بحران بانکی ایران، نه در انکار ورشکستگی و نه در خلق پول بی‌ضابطه، بلکه در شفافیت، پاسخ‌گویی، مدیریت دارایی‌ها و تصمیم‌گیری جسورانه، اما علمی است.

به گزارش خبرنگاران گروه اقتصاد خبرگزاری گزارش خبر، پس از سال‌ها اعتراض، هشدار و اظهارات صریح کارشناسان و فعالان اقتصاد در خصوص لطامات غیرقابل‌جبران بانک آینده به نظام بانکداری کشور، چند وقتی است که شایعه انحلال یا ادغام این بانک در فضای مجازی و میان صحبت‌های بعضی از کارشناسان بسیار شنیده می‌شود؛ از سوی دیگر در میزگرد تلویزیونی، طهماسب مظاهری، رئیس کل اسبق بانک مرکزی از سال ۱۳۸۶ الی ۱۳۸۷ در دولت محمود احمدی نژاد و وزیر اقتصاد از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۳ در دولت سید محمد خاتمی، ضمن ارزش‌گذاری دارایی‌های بانک آینده به دفاع از این بانک پرداخت.

پایگاه خبری بورس نیوز، در خبری پس از آن میزگرد با تیتیر "نگاهی به اظهار نظر عجیب طهماسب مظاهری، تنها مدافع ورشکسته‌ترین بانک قرن" به نقد نقطه نظرات ایشان پرداخت.

حال مجدد، بعد از انتشار شایعه ای در فضای مجازی مبنی بر انحلال بانک آینده در روز شنبه، که در بعضی از منابع خبری بازنشر شده بود؛ نوشته ای متناسب به آقای طهماسب مظاهری در رابطه با انحلال و آثار آن در شبکه های اجتماعی دست به دست می‌گردد که عین مطلب در کانال صدای سهامدار بورس نیوز منتشر شد. متن کامل آن به شرح زیر است:

نکته تکمیلی اینکه اگر انحلال انتخاب شود منابع لازم باید یکباره و به میزانی معادل سپرده ها، حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان، از بانک مرکزی تامین و پرداخت شود که پایه پولی خواهد بود و نتیجه آن، حدود ۲۴۰۰ هزار میلیارد تومن نقدینگی جدید است.

علاوه بر آن، مراجعه ۷ میلیون نفر سپرده‌گذاران در فردای روز اعلام خبر انحلال و آثار اجتماعی شومی که به همراه خواهد داشت، نیز از تبعات شوم آن خواهد بود.

باتوجه به وضعیت نامناسب چند بانک دیگر، این حرکت اجتماعی، تاثیر "دومینو" هم خواهد داشت، که در این وضعیت اجتماعی و نارضایتی‌های ناشی از تورم معلوم نیست دامنه‌ی آن تا کجا کشیده شود.

اگر اصلاح بانک انتخاب شود منابع لازم از محل دارایی‌های بانک به تدریج تامین می‌شود، به شرط اینکه یک هیات مدیره دانا و توانا برای بانک انتخاب شود و با آنان شرط شود که از بانک مرکزی هیچ پولی نباید توقع داشته باشند.

یکی دیگر از نکاتی که باید مورد توجه واقع شود، این است که با توجه به وجود دارایی‌های بانک، بیش از بدهی‌ها، در نهایت خطر شکایت سهامداران بانک برعلیه بانک مرکزی و دولت و یک رسیدگی عادلانه می‌تواند محکومیت برای تامین نابخردانه‌ی دولت و بانک مرکزی به همراه داشته باشد.

این محکومیت دو جنبه می‌تواند داشته باشد:

اول اینکه بانک مرکزی با تفسیر و تعبیر نادرست از استانداردهای حسابداری و مغایرت دستورالعمل‌های خود با نص صریح قانون عملیات بانکداری بدون ربا، از ثبت ارزش دارایی‌های بانک به قیمت عادلانه خودداری و جلوگیری کرده و در مقابل، هزینه‌های مربوط به آن دارایی‌ها را به هزینه قطعی منظور کرده است و یک زیان غیرواقعی و ساختگی را به تصویر کشیده است.

دوم اینکه نسبت به انتصاب مدیران منصوب خود، در سه سال منتهی به ۱۴۰۳، بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومن پول نقد از بانک مرکزی به بانک آینده پرداخت کرده است. این اقدام، نادرست و نابجا، مدیران منصوب بانک مرکزی را از فکر کردن برای یافتن راه حل مناسب محروم کرده و پول نقد بدون زحمت و بدون دردسر دریافتی از بانک مرکزی را صرف هزینه‌های جاری بانک کردند و وضعیت آن را بسیار آشفته نمودند. تاثیر تورمی این تصمیم نابخردانه نیز به دوش مردم مزید بر علت شد و کمر آنان را بیش از پیش خم کرد.

نمی‌توان گفت که کسانی که نسخه انحلال را می‌نویسند، هدفشان ایجاد آشوب در کشور است. حتی نمی‌توان گفت که از این اتفاق بسیار ناگوار اطلاع دارند، اما قطعاً می‌توان گفت که چنین تصمیمی، چنان نتیجه‌ای بار خواهد آورد.

آیا وقت آن نرسیده که برای حل مشکلات اقتصادی کشور راه حل‌های علمی و منطقی و اصولی را دنبال کنیم و از هیاهو و جو سازی پرهیز کنیم؟ حتماً وقت آن رسیده است.

حال، یکی از سهامداران، در پاسخ به یادداشت رئیس پیشین بانک مرکزی درباره "یادداشت کارشناسی طهماسب مظاهری پیرامون آینده بانک آینده" چنین نوشت:

در ادامه، پس از انتشار مطلب منتسب به ایشان، پاسخ های متعددی برای این رسانه ارسال گردید که یکی از آن پاسخ ها، حاوی نکاتی ارزنده و قابل تامل می باشد که به جهت کمکی ولو اندک به تعیین تکلیف این گره نظام بانکی و اقتصاد کشور، این رسانه آن را مجدداً منتشر کرده و مسئولین امر را به خواندن چندین باره آن دعوت می کند:

جناب آقای مظاهری؛ در پاسخ به یادداشت جنابعالی درباره "آینده بانک آینده"، چند نکته مهم و محل تأمل وجود دارد که شایستهی طرح است:

نخست، این که فرض شده در صورت انحلال بانک، بانک مرکزی باید تمام مبلغ سپرده ها را به صورت نقدی تأمین کند و پایه پولی را افزایش دهد، محل بحث است. چرا باید بانک مرکزی لزوماً خودش اقدام به تزریق پول جدید کند؟ آیا امکان استفاده از دارایی های نقدشوندهی بانک، فروش دارایی ها، یا تأمین مالی از طریق اوراق بدهی یا صندوق ضمانت وجود ندارد؟ اصولاً در هیچ کجای دنیا، انحلال یک بانک به معنای خلق پول معادل سپرده ها از سوی بانک مرکزی نیست. این ادعا بیش از آنکه اقتصادی باشد، هشدارآمیز و سیاسی است.

دوم، مراجعه ۷ میلیون سپرده گذار در «فردای انحلال» نیز سناریویی اغراق آمیز است. نظام بانکی، اگر مدیریت شفاف، اطلاع رسانی درست و تضمین های مشخص برای سپرده گذاران داشته باشد، لزوماً با موج هجوم مواجه نمی شود. این که از قبل اعلام کنیم انحلال یعنی «آشوب»، بیشتر به فضای ترس افکنی می انجامد تا تحلیل منطقی.

سوم، اتفاقاً خطر دومینویی که از آن سخن گفتید، وقتی بیشتر خواهد شد که بانک های مشکل دار باقی بمانند، زیان انباشتهی آنها بیشتر شود، و هر روز خبر فساد و عدم شفافیت منتشر شود. اعتماد عمومی از طریق «اصلاح واقعی یا تسویهی شفاف» تقویت می شود، نه با نگه داشتن مصنوعی بانک های ورشکسته.

چهارم، این که بانک آینده دارایی هایی بیش از بدهی دارد، اگر درست باشد، اتفاقاً به معنای آن است که می توان از طریق انحلال حساب شده و مدیریت شده، بخش مهمی از منابع را از محل فروش دارایی ها تأمین کرد، بدون این که نیازی به پول پاشی از سوی بانک مرکزی باشد.

با احترام به دغدغه جنابعالی، به نظر می رسد صورت مسئله باید دقیق تر و عاری از مفروضات ترسناک مطرح شود. راه حل بحران بانکی ایران، نه در انکار ورشکستگی و نه در خلق پول بی ضابطه، بلکه در شفافیت، پاسخ گویی، مدیریت دارایی ها و تصمیم گیری جسورانه، اما علمی است.